

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

فکر درم!

(از بخش دوم «فریاد اسیر»)

طنز انتقادی

چندی قلم شکسته به فکر درم شدم
کم بود بیش ازین سر و سامان زندگی
رشم به ایشکم دگران آمد، از تلاش
بس رنجه از گـردش دوران کشیده ام
از ذوق شعرگوئی و تهدید و انتقاد
بـار عیالداري به دوشم فتاده بود
طفلی که پا برهنه به مکتب روانه بود
با دیگرش که پاره لباسی به تن نداشت
بس احتشام خلق جهان چشمگیر بود
پولی به دست آمد و با آستین نـو
بسیار تلخ دیـده و شیرین شنیده ام
شبهه به یاد نـرگس مخمور گلرخی
رند خـراب و دلـق کرامات سوخته

از خود برون، به فکر درم یکقلم شدم
یک بیش و کم به آرزوی بیش و کم شدم
در فکر سیر کردن نفس و شکم شدم
چندی پی تلافی این رنج و غم شدم
خامش نشسته، منکر لا و نعم شدم
در فکر پیش بردن این بار غم شدم
دستش گرفته در غـم او پُر الم شدم
با پاره پاره دامنی، چـم رفته خم شدم
در جست و جوی راحت و جاه و حشم شدم
در هر کجا معزّز و هم محترم شدم
که تلخ و گه تـرُش به هزاران رقم شدم
در پای خـم به آرزوی خام، خم شدم
جامی بکف گرفته تو گوئی که جم شدم

دیدم بسی فـراز و نشیب زمانه را در ساز زندگی رقم زیـر و بم شدم
با این هوس، به ماده ز معنی گـریختم ای وا که با وجـود خیالی عدم شدم
پا از گلیم خویش برون کـرده، چند روز در جـان خویش مایه درد و ستم شدم
دیدم که این هوا و هوس جمله خام بود بار دگر به پختگی، در راه سم شدم
برداشتم قـلم که کنم انتقاد «اسیر»
بُران به سان خنجر تیز دودم شدم

(کابل عزیز - حوت ۱۳۳۵ هـ ش)